

تغییر سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان در دوره دونالد ترامپ

محمد حارث مقیم

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

شرایط سیاسی و امنیتی افغانستان که با ویژگی های بحران یاد می گردد، هرچند ریشه هایی دیرینه و عمیق در دل تاریخ این کشور دارد اما موفقیت طالبان در افغانستان آغاز بحران های فعلی این کشور دانست. جنگ و منازعات افغانستان چندین دهه است که این کشور و منطقه را دستخوش بی ثباتی و تغییر نموده است و از طرف دیگر امکان حضور قدرت های جهانی و منطقه ای را در این سرزمین فراهم نموده است. پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان پررنگ تر از گذشته بوده و این حضور در دوره های مختلف دارای تغییر و تحول بوده است. این حضور با بهانه مبارزه با تروریسم (طالبان، القاعده و داعش) به افغانستان حمله نمود، در مورد اهداف آمریکا در قبال افغانستان دیدگاه های متفاوت وجود دارد. مهمترین اهداف آن مبارزه با تروریسم، دموکراتیزاسیون و دولت و ملت سازی در افغانستان بوده است. پرسش مطرح شده در این تحقیق این است که سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان در دوره ترامپ نسبت به دوره اوباما چه تغییراتی کرده است؟ پاسخ نخست که در قالب فرضیه تحقیق ارائه شده است بیان می دارد که سیاست آمریکا در قبال افغانستان طی دوره ترامپ به لحاظ سیاسی به سمت مذاکره و صلح با طالبان، از نظر اقتصادی به سمت کاهش سرمایه گذاری و حمایت مالی، و از جهت نظامی بر سوی کاهش نیروهای نظامی حرکت کرده است. به منظور رسیدن به فرضیه از نظریه پیوستگی جیمز روزنا استفاده شده است.

واژه کلیدی: آمریکا، افغانستان، تغییر، ترامپ

مقدمه

حفظ و گسترش هژمونی آمریکا یک اصل بنیادی و اساسی در سیاست خارجی این کشور تلقی می گردد. کشور ها در طول زمان و براساس تجربیات، قدرت، توانایی های خود و موقعیت نظام بین الملل دست به اتخاذ سیاست ها، راهبرد ها و استراتژی ها می زند. آمریکا به عنوان یکی از قدرت های بزرگ جهانی،

موثرترین و نافذترین بازیگر در ایجاد و گسترش متغیرهای نظم جهانی و ضمانت از آنها بوده است. سیاست خارجی دولت باراک اوباما مبتنی بر منطق بین‌المللی گرای لیبرال بوده ولی سیاست خارجی دونالد ترامپ مبتنی بر منطق نوانزواگرایی و واقع‌گرایی استوار می‌باشد. اوباما مرکز ثقل سیاست خارجی خود را افغانستان تعریف نمود و تعداد از نیروهای خود را از عراق خارج و به افغانستان فرستاد و تا علیه تروریست‌ها مبارزه نماید. نیروهای امریکایی در فاصله سال ۲۰۰۹ که به این کشور فرستاد به ۱۷ هزار نیرو می‌رسید و قسمت دوم کار دولت اوباما در افغانستان کمک‌های اقتصادی تا زمینه ساز خروج نیروهای امریکایی از این کشور فراهم گردد. دولت باراک اوباما بخاطر زمینه سازی خروج نیروهای خود از این کشور در سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۰ به دولت افغانستان در بخش کشاورزی مبلغ دو میلیارد و ششصد میلیون دلار کمک نمود بخاطریکه اکثریت مردم افغانستان از این طریق امرار معاش می‌نماید. بخش دیگر سیاست‌های باراک در قبال این کشور انتقال مسوولیت تامین امنیت به نیروهای افغان بوده و در سال ۲۰۱۴ عملی گردید.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید گردید. دولت جدید امریکا استراتژی جدید خود در قبال این کشور را به استراتژی ترامپ مشهور است، اعلام نمود. این استراتژی در واقع سیاست ترامپ در قبال افغانستان را نشان می‌دهد. دونالد ترامپ استراتژی خود را در قبال افغانستان و جنوب آسیا در ۲۰۱۷ اعلام نمود. ترامپ جنگ افغانستان را مصیبتی کامل خواند و باعث از دست رفتن زندگی امریکایی‌ها و پول این کشور که از مالیات دهنده‌گان این کشور اخذ می‌گردید. ایالات متحده امریکا از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۶ بیشتر از ۸۰۰ میلیارد دلار در این کشور هزینه نموده و بیشتر از ۲۴۰۰ نیروی امریکایی در این جنگ کشته شده است. دونالد ترامپ مداخله و خروج قبل از وقت نیروهای امریکایی از افغانستان انتقاد و بر حفظ نیروهای این کشور تاکید نمود. آنچه که در این مقاله نگاشته می‌شود شامل موارد ذیل است: چالش‌های فراروی سیاست خارجی امریکا در دوره ترامپ در قبال این کشور، عوامل موثر در طرح و اعمال سیاست خارجی ترامپ در قبال افغانستان، کارکرد‌های عملی ترامپ در افغانستان و در نهایت مهمترین نکات تغییر و تحول سیاست‌های خارجی دولت اوباما و ترامپ در افغانستان چه بوده است.

■ چارچوب مفهومی

در نوشتار حاضر از چارچوب مفهومی سیاست خارجی جیمز روزنا استفاده می‌شود که بر پنج متغیر استوار بوده و عبارت از منابع فردی، نقش، حکومتی و بورکراتیک، اجتماعی یا ملی، و بین‌المللی یا سیستمیک است. هر یک از این منابع خود متغیرهای متعدد و مختلفی را شامل می‌شود، که از آنها نیز بهره گرفته خواهد شد (Rosenau, 1971: 307-338).

جیمز روزنا بنیان‌گذار پوزیتویسم در متون سیاست خارجی و روابط بین‌الملل می‌باشد. (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۲۰). روزنا با ارایه نظریه پیوند، همبستگی سیاست داخلی و بین‌المللی را برجسته ساخته است. این نظریه بدین معناست که هیچ سیاست خارجی بدون توجه به عواقب داخلی آن اتخاذ نمی‌گردد و

برعکس، در اصل سیاست داخلی و خارجی پیوند تنگاتنگی با همدیگر دارد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۸). در ادامه متغیرهای پنج‌گانه مذکور به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

متغیر های فردی

متغیرهای فردی به خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران خارجی اطلاق می‌شود که آنها را از افراد دیگر متفاوت نشان می‌دهد. قسمتی از ویژگی‌ها غیراکتسابی و ذاتی و بعضی دیگر از آنها اکتسابی هستند (کریمی فرد/ رحیمی، ۱۳۹۶: ۷۷)، (باقری، ۱۳۹۵: ۷)، (عطایی/ منصورى، ۱۳۸۷: ۱۳۴). خصوصیات یا ویژگی‌هایی مانند، شجاعت، ترس، حوصله مندی و بردباری، عصبانیت، خشونت، خطرپذیری، سنگدلی و رحم دلی، رحم و مهربانی، خودباوری، اعتماد به نفس، کفایت، مدیریت، رهبری، آینده‌نگری، دور اندیشی متغیر های فردی می‌نامند (الیسن، ۱۳۶۸: ۲۶۶)، (ایزدی و عابدینی، ۱۳۹۶: ۵۵). باورها، اعتقادات، گرایش‌ها، تجربیات تاریخی، جامعه‌پذیری، جایگاه طبقاتی نقش انکاری ناپذیری در طرح و عملی نمودن سیاست خارجی ایفا می‌کنند که باید مورد توجه و دقت قرار گیرد. به بیان دیگر متغیر های فردی به ارزش‌ها، باور‌ها، ایدئولوژی، برداشت‌ها، تجربیات، تصورات، تجربه‌های تصمیم‌گیرندگان بستگی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۶۰) و (سازمند، ۱۳۹۷: ۲۲).

متغیر نقش

متغیر های مربوط به نقش به معنای آن دسته از عواملی است که از ماهیت مناصب و پستهای سازمانی نشأت گرفته و برای صاحب منصب محدودیت رفتاری ایجاد میکنند (سجادی، ۱۳۹۷: ۴۴) زیرا تصمیم‌گیرندگان تحت تاثیر رفتار های تجویزی شده اجتماعی و هنجار های حقوقی متعلق به پستهایی قرار می‌گیرند که متصدی آن هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۶۰-۶۱).

متغیر حکومتی یا دیوان سالارانه

متغیر حکومتی سیاست خارجی عبارت است از جنبه‌های ساختاری حکومت که گزینه‌های پیش روی سیاست‌گذاران را افزایش داده یا محدود می‌نماید؛ یعنی چگونگی سازمان یافتن حکومت که شامل دو خصوصیت مهم و بنیادی میشود: دموکراسی سازی و بوروکراسی سازی. شکل و ماهیت نظام سیاسی، حجم حکومت و بوروکراسی‌ها و کارگزاری‌های حکومتی، ساختار قدرت سیاسی، درجه تفکیک قوا و میزان باز و بسته بودن نظام سیاسی، از جمله متغیر های حکومتی هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۶۱). جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره داشته که گزینه‌های سیاست خارجی را مقدر و یا محدود نموده و بطور کل بر آنها تاثیر گذاراند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۹۹) و (محمدیان/ رضایی، ۱۳۹۴: ۵). تاثیر رابطه قوه مجریه و پارلمان در سیاست خارجی نمونه‌ای از عملیاتی نمودن متغیر حکومتی می‌باشد (کریمی فرد/ افشاری/ رحیمی، ۱۳۹۶: ۷۸) و (زیبا کلام/ افشاری/ جراحی دربان/ میکاییلی، ۱۳۹۴: ۱۰).

متغیر ملی یا اجتماعی

متغیر ملی عبارت است از جنبه ها و نمود های غیر حکومتی جامعه امریکا که بر سیاست خارجی آن تاثیر می گذارد. گرایشات ارزشی، وحدت ملی، توسعه یافتگی و نیافتگی، فرهنگ سیاسی، جمعیت، سطح با سواد و بی سواد، تجربه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، نخبگان، احزاب، جامعه مدنی، گروه های ذی نفع، لابی ها و افکار عمومی شامل این متغیر می شود (اسمیت، ۱۳۹۵: ۴۵).

مقوله ملی و اجتماعی میزان گسترده تری از ویژگی های ملی موثر بر سیاست خارجی را شامل می شود. متغیر های زیست محیطی، مانند وسعت، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، منابع طبیعی، متغیر های جمعیتی، میزان بی سواد، آگاهی، آزادی، توزیع سنی، تولید ناخالص ملی، مرگ و میر زنان و کودکان، تولید صنعتی و کشاورزی، رسانه ها، آهنگ رشد اقتصادی، توانایی نظامی، سیاسی، و سایر عناصر قدرت کشور ها همگی در ذیل متغیر های ملی قرار می گیرند (ذوقی، ۱۳۷۸: ۱۰۶) و (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۹۹).

متغیر های بین الملل یا ساختار نظام بین الملل

متغیر های بین المللی یا خارجی شامل ویژگی های نظام بین الملل و خصوصیات واحد های تشکیل دهنده آن می باشد. توزیع منابع قدرت در سطح بین المللی، تعاملات بین المللی و الگوی ارتباطات، میزان نهادینگی، میزان وابستگی متقابل، همگونی یا ناهمگونی ایدیولوژیک و ارزشها در سطح جهان، قواعد و هنجار های حاکم بر نظام بین الملل، بعضی از مولفه های سیستمیک تعیین کننده سیاست خارجی امریکا هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۶۱) و (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۳).

■ مهمترین چالش های سیاست خارجی دولت ترامپ در افغانستان

کاهش نرخ رشد اقتصادی افغانستان

افغانستان از نظر شاخص های اقتصادی در سال ۲۰۱۶ در میان ۱۸۹ کشور جهان در ردیف ۱۷۷ قرار گرفت. تولید ناخالص داخلی این کشور از ۹/۸ درصد در سال های ۲۰۰۳ - ۲۰۱۲ به ۱/۳ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است. رشد و توسعه اقتصادی این کشور در سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۲ حدود ۱۱/۵ درصد بوده است (IMF Country Report, 2016). اما در سال ۲۰۱۵ این رقم به ۰/۸ درصد، در سال ۲۰۱۶ به ۱/۲ درصد، در سال ۲۰۱۷ به ۱/۸ درصد و احتمال دارد در سال ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰ به ۳/۶ درصد برسد (Cordesman, 2017: 28).

یکی از شعار های انتخاباتی دونالد ترامپ رشد اقتصاد امریکا و کاهش هزینه های این کشور در بیرون از امریکا بوده است. ایالات متحده امریکا در دوره ترامپ به تاریخ پنجم فروردین سال ۱۳۹۹ اعلام نمود که کمک های بلاعوض مالی خود را در افغانستان، سالانه حدود یک میلیارد دلار، برای دو سال جاری آینده در این کشور کاهش می دهد. از طرف دیگر با روی کار آمدن ترامپ بانک جهانی رشد

اقتصادی افغانستان را در سال ۲۰۲۰ حدود ۳/۳ درصد و در سال ۲۰۲۱ حدود ۳/۶ درصد پیش بینی نموده است، اما با کاهش کمک های دولت ترامپ در قبال افغانستان این پیش بینی ها دیگر غیر حقیقی خواهد بود (صبح کابل، ۲۰۲۰: ۵ آوریل).

افزایش نرخ فقر در افغانستان

نرخ فقر از ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳۹ تا ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۴ و در سال ۲۰۱۸ به ۵۴ درصد افزایش یافته است. این میزان جمعیت زیر خط فقر زندگی می نماید. نیمی از جمعیت فقیر را اشخاص زیر سن ۱۵ سال شکل می - دهد که حدود ۷۵/۶ درصد این افراد زیر ۱۵ سال نیز بی سواد می باشند. اکثر فقرا در روستا ها زندگی می نمایند. جوان بودن و بی سواد بودن دو عامل اساسی در افزایش نرخ بیکاری در این کشور بوده است (World Bank, 2016: 2-4). افغانستان در جنوب آسیا بیشترین فقیر را دارد.

با روی کار آمدن دولت جدید به رهبری دونالد ترامپ میزان فقر به ۳۹,۱ درصد افزایش یافت در حالیکه این رقم قبلا ۳۶ درصد بود. پس به ۱,۳ میلیون تن در طول این زمان به جمعیت فقیر این کشور اضافه گردیده است. از آنجاییکه معلوم است بیشترین جمعیت در ساحات روستایی زندگی می نماید شدت فقر در آن ساحات بیشتر محسوس میشود. در بین سال های پسا ۱۳۹۶ میزان فقر در ساحات روستایی ۱۴ درصد افزایش یافت و این افزایش فقر و بیکاری جوانان سبب تقویت و جذب اینها حتی در نیروهای مخالف دولت نیز انجامیده است. میزان فقر در روستاها از ۳۸,۳ به ۴۳,۶ درصد افزایش را نشان می دهد. اوضاع رو به وخامت زندگی در مناطق روستایی عمدتا بنابر بدتر شدن اوضاع امنیتی و کاهش کمک های خارجی توأم با خروج نیروهای بین المللی رونما گردیده است (گزارش اقتصادی افغانستان، ۱۳۹۶: ۳-۴).

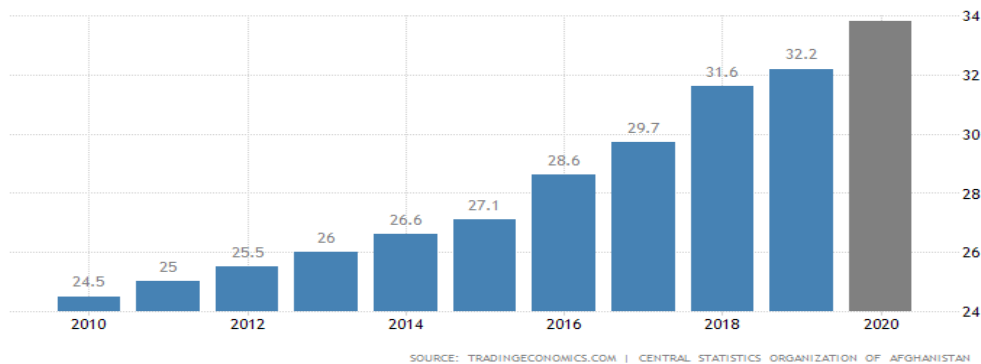
افزایش نرخ بیکاری در افغانستان

نرخ بیکاری در افغانستان از ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش را نشان می دهد. در این میان نرخ بیکاری مردان جوان ۲۸ درصد و این نشان می دهد ۱/۵ میلیون نفر مرد جوان درین کشور بیکار هستند که دو سوم آنها در روستا ها زندگی می نمایند (World Bank, 2016: 4). از طرف دیگر بین بیکاری و منازعه نوع ارتباط وجود دارد و یکی از علل های تشدید منازعه و بحران ناامنی و رشد تروریسم در افغانستان بیکاری جوانان می باشد، از طرف دیگر پس سال ۲۰۱۸ این بیکاری افزایش داشته و از طرف دیگر فعالیت های گروه های تروریستی بخصوص طالبان نیز در افغانستان افزایش داشته است و نشان دهنده جلب و جذب جوانان در صفوف نیروهای جنگی طالبان می باشد (Floreani, 2016: 67).

یافته های نتایج میان مدت از تازه ترین سروی خانوارها در این سال های پسین نشان دهنده افزایش بی پیشینه نرخ بیکاری در افغانستان بوده است. از طرف دیگر سالانه در حدود ۴۰۰ هزار تن وارد بازار کار می گردد و دولت مجبور و مکلف است برای اینها زمینه های کاری را آماده نماید. افغانستان کشوری است که بیشتر وابسته به کمک های خارجی بوده (گزارش اقتصادی افغانستان، ۱۳۹۵: ۵). در

حال حاضر، افغانستان در اثر شیوع ویروس کرونا در جهان و و تشدید نا امنی های داخلی، با افزایش سریع تعداد از مهاجرین و بیجاشدگان از کشور های همسایه و روستاها روبرو است، این موج جدیدی از مهاجرین تاثیر منفی بر افزایش بیکاری در این کشور می نماید.

نمودار از نرخ بیکاری در افغانستان بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰:



کاهش سرمایه گذاری در افغانستان

زمانیکه دونالد ترامپ به قدرت رسید بیشتر نیروهای امریکایی و متحدین آن از افغانستان خارج گردیده بود و این خروج نیروها منجر به کاهش سرمایه گذاری شده است. دونالد ترامپ بر اساس شعار « نخست امریکا» به قدرت رسید و در قبال بحران افغانستان توجه بیشتر را به مبارزه با تروریسم تعریف نمود تا مبارزه با بیکاری و کاهش سرمایه گذاری انجام بدهد. در واقعیت خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان نگرانی های زیادی را نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی افغانستان ایجاد کرده از قبیل کاهش رشد اقتصادی، فرار سرمایه، افزایش نگرانی ها در مورد مواد مخدر، تداوم کسری بودجه دولت، افزایش قیمت ها و غیره بوده است. دولت ترامپ هیچگاه مانند دولت اوباما توجه آنچنانی به معضل کاهش سرمایه گذاری در افغانستان نکرده است (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۱: ۳۰ اردیبهشت). در نهایت یکی از دلایل عمده که سبب عدم سرمایه گذاری در افغانستان گردیده مسئله نا امنی و افزایش حملات طالبان در افغانستان بوده است.

کاهش کیفیت آموزش در افغانستان

نرخ امید به زندگی و داشتن سواد در افغانستان افزایش یافته است. شمار کودکان که به مکتب میروند بیشتر از ۸ میلیون نفر می رسد. ولی چنین شرایط فقط در صورت حفظ صلح و ثبات میتواند حفظ گردد (Afghanistan, India and Donald Trump, 2017: 29). با تمام امید به زندگی و رفتن اطفال و جوانان به مکتب فقط نیمی از مکاتب دارای ساختمان در این کشور بوده است. مابقی از مکاتب زیر چادر، منازل کهنه و زیر درختان قرار دارند. از طرف دیگر حداقل ۵۵ درصد از معلمان از امکانات

حداقلی برای بروزرسانی مهارت‌ها برخوردارند. بدین ترتیب پایین بودن کیفیت آموزش در افغانستان یکی از مشکلات جامعه افغانستان بوده، آمریکا در سیاست‌های جدید خود این نکات را در نظر خواهد گرفت. دانشگاه امریکایی در کابل در کنار سایر دانشگاه‌های دولتی و خصوصی فعالیت می‌نماید ولی از کمک‌های مالی دولت ترامپ در قبال افغانستان در بخش آموزش مانند دوره اوباما بی‌نهایت ضعیف بوده است و حتی گزارش‌های از بسته شدن دانشگاه امریکایی در کابل بخاطر کاهش بودجه دانشگاه از سوی دولت آمریکا بوده است. سه منبع آگاه از برنامه‌ریزی برای بستن این دانشگاه به «سی، ان، ان» می‌گویند که دانشگاه امریکایی افغانستان آمادگی می‌گیرد تا سال آینده بسته شود؛ این دانشگاه یکی از تلفات تصمیم قابل پیش‌بینی دولت ایالات متحده مبنی بر کاهش قابل ملاحظه‌ی بودجه‌ی دانشگاه‌ها است.

افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان

ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۲ پس از سقوط طالبان و ایجاد حکومت دموکراتیک در افغانستان مبلغ ۸/۵ میلیارد دلار برای مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر هزینه نموده است. هنوز افغانستان با ۸۰ درصد تولید مواد مخدر جهان، در صدر تولیدکننده گان این مواد قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۶ زمین‌های زیر کشت مواد مخدر به ۲۰۱۰۰۰ هکتار زمین می‌رسید که نسبت به سال ۲۰۱۵ حدود ۱۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این درحالی می‌باشد که هنگام ورود امریکایی‌ها در سال ۲۰۰۱ در افغانستان جمع زمین‌های زیر کشت مواد مخدر حدود ۸۰۰۰ هکتار بوده است. در سال ۲۰۱۶ تولید مواد مخدر در افغانستان از ۲۷۰۰ تا ۳۹۰۰ تن به ۴۰۰۰-۵۰۰۰ تن افزایش داشته است (UNDOC Afghanistan, 2016). به علاوه دو سوم کشت غیر قانونی مواد مخدر جهان مربوط افغانستان می‌باشد (World Drug Report, 2016). میان کشت مواد مخدر و ادامه منازعات نوع هماهنگی وجود داشته است چونکه پس از سال ۲۰۰۲ تولید مواد مخدر در کنار جنگ رو به افزایش بوده است این نشان می‌دهد که هزینه‌های بزرگ این جنگ طالبان و سایر گروه‌های تروریستی بواسطه پول قاچاق مواد مخدر تمویل می‌گردیده است.

وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان از قرار نگرفتن اولویت مبارزه با مواد مخدر در افغانستان در استراتژی جدید ترامپ برای این کشور اظهار نگرانی کرد (دویچه وله در، ۲۰۱۷: ۲۲ نومبر).

کمیاب شدید برق در افغانستان

افغانستان یکی از محدود کشور های جهان بوده که در حوزه استفاده از برق، نرخ بسیار پائینی دارد. نرخ متوسط سرانه مصرف برق در افغانستان حدود ۱۵۴ کیلووات در سال می‌باشد که در قیاس با منطقه جنوب آسیا ۶۶۷ کیلو وات و متوسط جهان ۳/۱۰۰ کیلو وات رقم بسیار پائینی است (World Bank, 2016). اعتراض معروف به جنبش روشنایی که خود این حرکت حوادث تلخ دیگری را به همراه داشت که انتحاری بزرگ که مانع این اعتراض‌ها گردید که در آن مردان و زنان و جوانان زیادی را به شهادت

رسانید و خانواده های زیادی را سوگوار نمود. عمده مصرف برق افغانستان از کشور های همسایه (آسیای میانه) بوده است

دولت به برق داخلی و برق وارداتی ۱۴۰۰ میگاوات برق در اختیار دارد، در حال که این کشور حدود ۷۵۰۰ میگاوات ضرورت دارد. به گفته وزارت انرژی و آب افغانستان این کشور ظرفیت تولید ۵۶ هزار میگاوات برق بادی، آبی و خورشیدی را دارد، بدبختانه در حال حاضر ۲۰ درصد برق مجموعی افغانستان در داخل خاک این کشور تولید و ۸۰ درصد برق این کشور وارداتی بوده است. به این اساس به گفته وزارت انرژی و آب و شرکت برشنا سالانه بین ۲۲۰ الی ۲۸۰ میلیون دلار هزینه برق به کشور های همسایه پرداخت می گردد. از طرف دیگر تا سال ۲۰۳۰ یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار برای تولید برق در داخل افغانستان سرمایه گذاری صورت می گیرد و بعد از ۲۰۳۰ وابستگی این کشور به برق وارداتی کاهش می یابد (دویچه وله دری، ۱۳۹۸: ۱۴ آبان / ۰۵،۱۱،۲۰۱۹). جامعه جهانی از ۲۰۰۲ تا اکنون ۴ میلیارد دلار در بخش انرژی افغانستان کمک نموده و از این مبلغ ۳ میلیارد آن ناپدید و حیف و میل گردیده است (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۶: ۱۸ آذر).

■ عوامل امنیتی – سیاسی موثر بر اتخاذ استراتژی و سیاست دولت ترامپ در قبال افغانستان

یکی از بحث های اساسی در اتخاذ راهبرد و سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال افغانستان نقش داشته عبارت از عوامل سیاسی و امنیتی بوده است. مهمترین شاخص های این عوامل عبارت اند از:

تداوم درگیری های نظامی در افغانستان

در واقعیت از تعداد درگیری های نظامی در افغانستان میان دولت و طالبان کاسته شده نسبت به سال های قبل، ولی شدت درگیری ها افزایش یافته است. نمونه های روشن آن را میتوان در درگیری های طالبان و نیروهای نظامی افغان در ولایت کندز و فراه ... نامید درین درگیری ها گروه های تروریستی به گرفتن استان های متذکره اقدام نموده بود و حتی چندین شبانه روز جنگ میان نیروهای نظامی افغان و طالبان دوام داشته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴ شمار حملات موثر گروه های تروریستی مانند طالبان در افغانستان به ۱۲۰۰ مورد، در سال ۲۰۱۵ به ۱۰۰۰ مورد و در سال ۲۰۱۶ حدود ۸۰۰ مورد، همین گونه کاهش داشته ولی شدت حملات نسبت به سال های قبل افزایش داشته است (Department of Defense, 2016: 29-30). در مجموع تلفات افراد نظامی و غیر نظامی افغان ها به ۳۱۰۰۰ نفر بر آورد شده است. در همین حال تاکنون ۳۵۰۰ نفر از نیروهای بین المللی کمک برای امنیت افغانستان آمده بود کشته شده است و ۲۴۰۰ نفر از نیروهای امریکایی در منازعات افغانستان کشته شده است (Afghanistan, India and Donald Trump, 2017).

رویکرد دونالد ترامپ متفاوت، در قبال تداوم درگیری در افغانستان؛ طولانی ترین جنگ امریکا هم مالیات دهندگان امریکایی و هم مردم افغانستان را به ستوه آورده است. حتی تب، سعی و تلاش اوباما، رئیس جمهوری سابق امریکا برای شکستن این بن بست جنگ افغانستان به جای نرسید. جمع شدن

کارکشته های نظامی جنگ افغانستان در کابینه ترامپ، نوید رویکرد جدی در این جنگ را می داد. کابل بارها پذیرای ژنرال ها و روسایی نهاد های اطلاعاتی امریکا بود. مهمترین نکات استراتژیک دولت ترامپ در قبال تداوم درگیری ها در افغانستان عبارت اند از: حضور بدون تعیین جدول زمانی نیروهای امریکایی در افغانستان، اعمال فشار بر پاکستان برای دست کشیدن از حمایت گروه های افراطی، قطع کمک های یک میلیاردی برای پاکستان، انتخاب هند به عنوان متحد استراتژیک در جنوب آسیا، افزایش تحرکات نظامی علیه تروریسم، حملات هوایی نیروهای امریکایی دو برابر شد، حملات شبانه سربازان افغان با پشتیبانی فنی نیروهای امریکایی افزایش یافت و هواپیماهای بیشتری در اختیار ارتش افغانستان قرار گرفت. در نهایت طالبان حاضر به مذاکره با امریکا و دولت افغانستان گردید (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۶: ۱ بهمن).

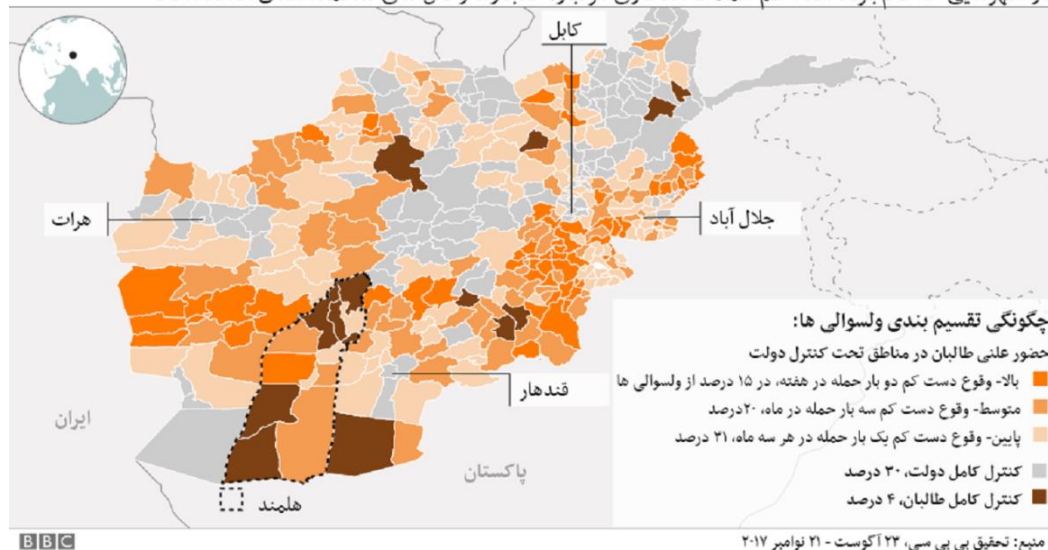
افزایش سطح تهدید در افغانستان

از مجموع کل خاک افغانستان، ۲۷ استان یا ولایات از ۳۴ استان افغانستان دارای مناطقی می باشد که سطح تهدید یا ناامنی در آنجا بسیار بالا گفته شده است. بطور نمونه، سطح تهدید در ۳۸ ناحیه در ۱۴ استان یا ولایات این کشور از ۳۴ استان فوق تهدید بسیار بالا و در مابقی مناطق بالا تعریف گردیده است. این مناطق عمدتاً در استان های جنوب شرق، شرق و جنوب افغانستان گفته می شود (Norland, 2015: 41). در یک نظر سنجی نهادی از مردم پرسیده شده است که علت تداوم درگیری ها و افزایش سطح تهدیدات گروه های نظامی مسلح یا طالبان علیه حکومت چه بوده میتواند؟ در سال ۲۰۱۱ حدود ۸ و در سال ۲۰۱۶ حدود ۲۳ درصد پاسخ داده اند که علت افزایش تهدیدات در افغانستان کسب قدرت است. در سال ۲۰۱۱ در حدود ۲۱ درصد و در سال ۲۰۱۶ در حدود ۱۲ درصد پاسخ داده اند که علت افزایش حملات مداخله و حمایت پاکستان بوده است. در سال ۲۰۱۱ حدود ۲ درصد و در سال ۲۰۱۶ حدود ۸ درصد گفته اند علت این بحران فساد بالا در حکومت است. در سال ۲۰۱۱ حدود ۵ درصد و در سال ۲۰۱۶ حدود ۲ درصد گفته اند که بیکاری و فقر و در سال ۲۰۰۶ حدود ۴ درصد و در سال ۲۰۱۶ حدود ۲ درصد گفته اند حمایت از اسلام بوده است (The Asia Foundation, 2016: 51-53).

در یک تحقیق بی بی سی دریافته است که طالبان به طور علنی در ۷۰ درصد خاک افغانستان فعال هستند. این تحقیق ماه ها در سراسر افغانستان طول کشید و نشانی دهد که پس از خروج نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ و روی کار آمدن دولت جدید در سال ۲۰۱۶ مناطق بیشتری در معرض تهدید و یا کنترل طالبان قرار گرفته است.

حضور طالبان در افغانستان بر اساس ولسوالی (شهرستان)

در شهرهایی که نام برده شده هم حملات انتحاری مرگبار، انفجارها و قتل‌های هدفمند اتفاق افتاده است



شکندگی سیاسی در افغانستان

دولت‌های پسا دوره حکومت حامد کرزی در افغانستان یا به عبارت دیگر دولت امروزی افغانستان محصول چند توافق متفاوت بوده است. توافق نخست عبارت از توافق عمومی جامعه مبنی بر وجود یک دولت برای ایجاد نظم و استقرار عدالت در جامعه بوده که الگوی رایج در جهان بوده است. دومین توافق بنام توافق دولت وحدت ملی که میان دو تیم رقیب انتخاباتی به رهبری اشرف غنی و عبدالله تشکیل گردیده است. توافق سومی میان دولت وحدت ملی و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار بوده است. حال دولت اشرف غنی در پی مذاکره با گروه طالبان بوده که آنها را نیز وارد ساختار قدرت نماید (The White House, 2016). پایان حکومت وحدت ملی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۸ و رقابت دوباره میان دکتر عبدالله و دکتر اشرف غنی منجر به بحران انتخاباتی گردید. این بحران انتخاباتی بار دیگر منجر به شکل‌گیری حکومت مشارکتی به رهبری هردو تیم نموده است. مساله اساسی این است که این توافق‌ها چالشی بزرگ برای دولت است. مثال اشرف غنی و دکتر عبدالله هردو مسیرهای جداگانه‌ای را برای اداره مملکت در پیش گرفته‌اند و بین هردو در دوره حکومت وحدت ملی اختلاف بوده و حالا نیز برای معرفی کابینه جدید اختلاف وجود دارد. توافق دیگر که میان امریکا و طالبان صورت گرفته است و این نیز چالش برای دولت افغانستان تلقی می‌گردد چونکه بیشتر از ۵۰۰۰ زندانی طالبان رها گردیده است ولی چراغ سبز از صلح دیده نمی‌شود. در کنار طالبان از سال ۲۰۱۴ پدیده آشوب‌زا دیگری بنام دولت اسلامی خراسان که داعش نیز خوانده می‌شود بر این چالش‌های افزوده است. در مجموع افغانستان پس از سوریه، سودان جنوبی و عراق چهارمین کشور کمتر صلح‌آمیز در دنیا می‌باشد (World Bank, 2016b: 4). در شرایط اساس نقطه پایان به بحران انتخاباتی و شکل‌گیری

حکومت مشارکتی به رهبری غنی و عبدالله جز سیاست‌های اصلی آمریکا می‌باشد. اما واقعیت این است که روند واگرایی‌ها نیز شدید می‌باشد (Smith, 2018: 34).

کاهش رضایت شهروندان از عملکرد دولت افغانستان

رضایت شهروندان افغان از عملکرد دولت از ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۴۹ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش را نشان می‌دهد. این میزان در ولایات (استانداری‌ها) از ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۵۱ درصد در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته است. در حکومت‌های محلی (فرمانداری) از ۶۷ درصد به ۴۹ درصد بوده و در شهرداری‌ها از ۵۸ به ۴۲ درصد رسیده است (The Asia Foundation, 2016: 107-108). پس این آمار نشان‌دهنده این است که دولت را به سمت بحران مشروعیت می‌کشاند.

هزینه سنگین جنگ در افغانستان

ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۶ در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار در جنگ افغانستان هزینه نموده که ۱۱۵/۲۲ میلیارد آن برای بازسازی افغانستان به مصرف رسیده است (Afghanistan, India and Donald Trump, 2016). این کمک‌ها برای بازسازی این کشور از طرح مارشال در دوره پس از جنگ دوم که مبلغ ۱۰۳/۴ میلیارد دلار بود بیشتر می‌باشد (Sigar, 2016: 62-63). تا سال ۲۰۱۴ نیروهای آمریکایی و متحدینش در افغانستان به ۱۴۰۰۰۰ نفر می‌رسید، ولی بعد از ۲۰۱۴ تعداد آنها مستقر در افغانستان به ۱۴۰۰۰ نیرو رسیده است (Norland, 2016: 56). از ورود تا خروج نیروهای بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان ۳۵۰۰ نیروهای بین‌المللی و ۲۴۰۰ نیروهای آمریکایی در این خاک کشته شده‌اند (Afghanistan, India and Donald Trump 2016). تعداد نیروهای مستقر آمریکایی در افغانستان به ۱۱۰۰۰ می‌رسد. هزینه‌های خدمه آمریکایی‌ها ۲/۱ میلیون دلار در سال بوده است. هزینه نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان سالانه ۱۷/۶ میلیون دلار می‌باشد (Harrison, 2014, 45). علاوه بر اینها ایالات متحده آمریکا برای سال ۲۰۱۶ مبلغ ۴ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۷ مبلغ ۳/۴۵ میلیارد دلار به صندوق کمک به امنیت این کشور کمک نموده است (Sigar, 2016: 67).

در سال ۲۰۱۶ جمهوری خواهان به قدرت رسید خواستار افزایش بودجه نظامی گردید. لایحه بودجه نظامی سال ۲۰۱۹ آمریکا به میزان ۷۱۶ میلیارد دلار در سنا تصویب گردید (اسلام تایمز، ۱۳۹۷: ۲۱ شهرپور).

■ ناهمگونی سیاست و استراتژی آمریکا و افغانستان

با گذشت کمتر از دو دهه حضور آمریکا در افغانستان و جنگ مشترک آمریکا و افغانستان علیه طالبان هنوز دو کشور فاقد استراتژی و سیاست مشترک هستند. این ناهمگونی استراتژی از ناهمگونی منافع در باره موضوعاتی مانند مدیریت جنگ، کیفیت حکمرانی خوب توسط دولت افغانستان، توسعه اقتصادی، الگوهای استقرار امنیت و غیره ناشی می‌گردد. به همین دلایل مشاورین ترامپ توصیه نمود که تیمی

شکل بگیرد و دوباره مسایل مختلف را در افغانستان مورد بررسی قرار دهد تا نوع هماهنگی بین منافع، استراتژی و سیاست امریکا و افغانستان شکل بگیرد. همین بررسی ها سبب گردید که حیطه اختیارات مقامات امریکایی در حمله به طالبان و دیگر گروه های تروریستی فعال در افغانستان بیشتر گردد. زمانیکه دولت اوپاما رهبری مبارزه با طالبان را به عهده نیروهای افغان سپرد و از طرف دیگر محدودیت های را برای عملیات تهاجمی امریکا در افغانستان ایجاد نمود و این نوع محدودیت اختیارات فرماندهان امریکایی درین کشور بوده است. از طرف دیگر بحث صلح با طالبان یکی از چالش های جدی در دولت افغانستان است چونکه این توافق میان دولت امریکا و گروه طالبان صورت گرفته تا که میان دولت افغانستان و گروه طالبان صورت می‌گرفت. قابل ذکر است که دولت افغانستان قربانی زیادی برای آمدن صلح داده است یکی از نمونه های آن آزادی ۵۰۰۰ زندانی طالب از زندان های دولت افغانستان و عدم کاهش خشونت ها از جانب طالبان در افغانستان بوده است.

با روی کار آمدن دولت ترامپ پاکستان مورد انتقاد و تحریم و فشار های دولت امریکا و افغانستان قرار گرفت، حملات هواپیما های بدون سرنشین حملات خود را در آنسوی مرز سرعت داد و کمک های امریکا برای پاکستان قطع گردید و در استراتژی جدید امریکا در قبال افغانستان و جنوب آسیا هند جایگزین پاکستان گردید. این نوع همگونی میان سیاست امریکا و افغانستان بوده می تواند.

مساله پاکستان

امروزه امریکا، پاکستان را به عنوان چالش جدی و بخش از مشکل افغانستان تعریف می نماید. لذا ایالات متحده امریکا در تلاش است که اسلام آباد سیاست هایش را تغییر بدهد. همین عوامل سبب گردیده که امریکا به سیاست های تنبیه و فشار بالای پاکستان رو آورده است. این تغییر برخلاف سیاست های تشویقی باراک اوپاما بوده که به موجب آن ۴۲۲/۵ میلیون دلار کمک اقتصادی و ۳۱۶/۷ میلیون دلار کمک های امنیتی در اختیار دولت پاکستان قرار داده است (Bearak and et al. 2016: 45).

سلطه منطقه ای روسیه، چین، پاکستان...

این کشور ها در شرایط فعلی بازگشت طالبان به قدرت و شکست امریکا در این جنگ یا به عبارت دیگر مخالف وضع موجود در افغانستان بوده است (Jones, 2017:3). در واقع این عکس آن موارد است که امریکا، افغانستان و هندوستان دنبال می نماید؛ یعنی تثبیت وضع موجود. از این منظر امریکا تلاش می نماید که افغانستان به عنوان یک دولت بی طرف در معادلات امنیتی منطقه تبدیل گردد تا این کشور از دست اندازی دیگران در امنیت باشد. اینکه چنین چیزی ممکن است یا خیر، جای بحث را دارد.

محور ها و اقدامات عملی ترامپ در قبال افغانستان

دولت دونالد ترامپ برای حل چالش های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی فوق به شکلی که شرح آن در بالا گذشت گزینه های مختلف پیش رو داشت عبارت اند از:

سیاست خروج نیروهای امریکایی از افغانستان

این راهبرد مربوط به دولت باراک اوباما بوده که دونالد ترامپ مخالف این چنین گزینه ای در سیاست خارجی خود استفاده نماید. ترامپ سیاست خروج نیروها را از افغانستان نپذیرفت و مخالفت خود را با این گزینه اعلام نمود، این به نوع تغییر در سیاست خارجی آمریکا بوده است (The white House, 2016).

سیاست حفظ وضع موجود در افغانستان

حفظ وضع موجود در افغانستان یعنی حفظ نیروهای نظامی و غیر نظامی (حذف گزینه خروج)، تداوم و حمایت سیاست های موجود و رویه های مدیریت فعلی در افغانستان بوده است. این روش در کوتاه مدت مانع فروپاشی دولت افغانستان می شود. این درحالی است که تهدیدات به قوت خود باقی می ماند و ممکن بود چیزی شبیه جنگ ویتنام را برای آمریکا و بازگشت به شرایط دهه ۱۹۹۰ را برای افغانستان رقم بزند (Kolanda, 2016: 11). بنابر این سیاست یا گزینه نیز مورد تایید سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال افغانستان مورد تایید قرار نگرفت و مخالفت خود را با این روش بیان نمود.

استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال افغانستان در دوره ترامپ

استراتژی جدید آمریکا در قبال افغانستان، در ۲۱ اوت ۲۰۱۷ از سوی دونالد ترامپ اعلام شد. مهمترین فاکتورهایی که ترامپ در استراتژی دولت خود را در قبال افغانستان اعلام نمود عبارتند از: ادامه حضور نیروهای امریکایی و افزایش تعداد آنها در افغانستان، افزایش حیطه اختیارات مقامات امریکایی در حمله به طالبان و دیگر گروه های تروریستی فعال در افغانستان، ضرورت حضور طالبان در پای میز مذاکرات، تقویت نیروهای امنیتی افغانستان، تأکید بر مبارزه دولت افغانستان با فساد و انجام اصلاحات، عدم دخالت آمریکا در فرآیند دولت - ملت سازی در افغانستان در چارچوب ضرورت توانایی رهبران این کشور برای پیشبرد این روند بدون دخالت آمریکا، انتقاد صریح از نقش دوگانه پاکستان در ارتباط اسلام آباد با گروه های تروریستی و درخواست از هند برای ایفای نقش بیشتر در افغانستان. ترامپ خروج از افغانستان را مبتنی بر شرایط اعلام کرد و نه مبتنی بر زمان. ترامپ اظهار داشت ما تا وقتی در افغانستان می مانیم که القاعده و داعش نابود شود. به طالبان اجازه نمی دهیم به قدرت برسند و افغانستان را لانه گروه های تروریستی برضد ایالات متحده کنند. از دیگر سیاست های اعلام شده توسط ترامپ تقویت نیروهای امنیتی افغانستان بود. او تأکید کرد که ما نیروهای امنیتی افغانستان را تا جایی تقویت می کنیم که بتوانند از امنیت و صلح در کشور خود محافظت نمایند. ترامپ تأکید کرد که ما برای افغانستان چک سفید امضا نمی کنیم؛ یعنی حمایت ها شامل زمان می شود و نیز دارای شرایطی است. یکی از شرایطی که ترامپ مانند اسلاف خود بدان تصریح کرد مبارزه دولت افغانستان با فساد و انجام اصلاحات است. ترامپ، در استراتژی خود مشخص کرد که حضور نیروهای آمریکا در افغانستان برای جنگ و شکست دشمنان است و کاری به برنامه دولت - ملت سازی ندارد. از مهم ترین مواردی که ترامپ برخلاف اسلاف خود با

صراحت بیش‌تری بدان پرداخت، پاکستان است؛ ترامپ به صراحت بیان کرد که ما میلیاردها دلار به پاکستان کمک کردیم؛ اما این کشور به گروه‌هایی پناه می‌دهد که برای کشتن سربازان ما برنامه ریزی می‌کنند، ضمن ستایش از همکاری های هند با امریکا در افغانستان، خواستار نقش بیشتر هند در افغانستان شد.

با گذشت زمان و بن بست نظامی به وجود آمده در افغانستان، دولت ترامپ در جولای ۲۰۱۸ دستور آغاز مذاکرات مستقیم با طالبان را بدون حضور دولت افغانستان صادر کرد. این اقدام یک چرخش قابل توجه در سیاست امریکا به حساب می‌آید؛ در زمستان ۱۳۹۸ توافقنامه صلح مذکور به امضای طرفین رسید. مهمترین نکات دکترین ترامپ عبارت اند از: یک جانبه گرایی، افزایش نیروی نظامی، استثنا گرایی، انزواگرایی، برتری جویی و مخالف با مداخله بشردوستانه بوده است (دهقانی / بصیری / یزدانی، ۱۳۹۷: ۴-۱۶)، (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۱۵۰)، (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۱۳) و (سلیمان زاده / امیدی / ترابی، ۱۳۹۷: ۷).

■ مذاکرات صلح امریکا و طالبان و نتایج آن

مذاکرات صلح افغانستان در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در تابستان ۱۳۹۷ (سپتامبر ۲۰۱۸) با حضور زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده ارشد امریکایی و نمایندگان طالبان به صورت رسمی آغاز شد و در فوریه ۲۰۲۰ توافق‌نامه صلح میان طرفین به امضاء رسید. مذاکرات صلح در اواخر دی ۱۳۹۸ پس از نظر موافق طالبان برای کاهش خشونت‌ها از سر گرفته شد و در نهایت در ماه اسفند سندی با عنوان " موافقت‌نامه رسیدن به صلح در افغانستان " میان امریکا و طالبان در ۲۹ فوریه ۲۰۱۹ امضا گردید که البته بالاخره پس از طرح عنوان امارت اسلامی؛ امریکا گفت که "امارت اسلامی" را به عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد بلکه "گروه طالبان" را به رسمیت می‌شناسد. قرار شد مذاکرات بین افغان‌ها نیز در تاریخ ۱۰ مارس آغاز شود و ادامه داشته و تا ختم حکومت ترامپ به نتیجه نرسیده است.

مخالفت ترامپ با ترویج دموکراسی باراک اوباما در افغانستان

یکی از محورهای سیاست دونالد ترامپ، تغییر در ابتکارات که باراک اوباما در سیاست خارجی امریکا بوجود آورده بود، است. ترامپ از سیاست ترویج دموکراسی باراک اوباما در افغانستان و سایر کشورها جهان انتقاد نموده است. دونالد ترامپ در مورد ترویج دموکراسی به شدت سیاست‌های امریکا در حوزه تغییر رژیم و دولت ملت‌سازی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی معتقد است که سیاست‌های امریکا در افغانستان ثبات امریکا و اولویت‌های آن در حوزه مبارزه با تروریسم را تضعیف نموده است. به همین دلایل بوده که ترامپ در راهبرد جدید خود حرفی از دموکراسی به میان نیاورده است. گفته که مردم افغانستان هر قسمی که می‌خواهد زندگی نماید و دولت خود را بسازد.

تلفات نیروهای امریکایی در دوره ترامپ در افغانستان

تعداد سربازان امریکایی اعزام شده در افغانستان بسیار بیشتر از آنست که تصور می شد؛ پنتاگون تایید کرده هم اکنون حدود ۱۱ هزار نظامی امریکایی در این کشور حضور دارند. این نیروها در جنگ افغانستان در کنار نیروهای افغان فعالیت می نمایند (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۶: ۹ شهریور) پنتاگون اعلام نموده که هزینه جنگ افغانستان برای نیروهای امریکایی در دوره اوباما به ۱۰۰ میلیارد دلار می رسد ولی امروزه در دوره دونالد ترامپ هزینه جنگ افغانستان سالانه به ۴۵ میلیارد دلار می رسد (دویچه وله، ۲۰۱۸: ۷ فبروری).

جدول ذیل میزان کشته شدگان امریکایی را از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۲۰ در افغانستان نمایش می دهد:

سال	تعداد تلفات	سال	تعداد تلفات
۲۰۰۹	۳۱۷	۲۰۱۹	گزارش نشده
۲۰۱۰	۴۹۹	۲۰۲۰	هنوز زود است
۲۰۱۱	۴۱۸		
۲۰۱۲	۳۱۰		
۲۰۱۳	۱۲۷		
۲۰۱۴	۵۵		
۲۰۱۵	۲۲		
۲۰۱۶	۱۴		
۲۰۱۷	۱۱		
۲۰۱۸	۱۳		

نظر به جدول بالا تعداد تلفات نیروهای نظامی امریکا در جنگ افغانستان در دوره اوباما نسبت به دوره ترامپ بیشتر بوده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۹: ۲۰ خرداد) و (امینیان، ۱۳۹۶: ۲۰۳-۲۰۴).

تلفات افراد ملکی یا غیر نظامی در دوره دونالد ترامپ بیشتر بوده است. براساس گزارش سازمان ملل تعداد غیر نظامیان که در سال ۲۰۱۸ در افغانستان کشته شدند، از تمامی سال های ۱۸ سال اخیر که این کشور درگیر جنگ است، بیشتر بوده است. به گفته دکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در بی بی سی در چهار سال گذشته تلفات نیروهای افغان در جنگ این کشور به ۴۵۰۰۰ نفر می رسد این نشان دهنده آنست که مسوولیت بیشتر نبرد ها در افغانستان پسا ۲۰۱۴ تا امروز بدوش نیروهای افغان بوده است (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۷: ۵ بهمن).

تفاوت راهبرد های ترامپ در قبال افغانستان

محور سیاست خارجی ترامپ نقد سیاست های باراک اوباما است. مهمترین تفاوت راهبرد ترامپ و اوباما در قبال افغانستان عبارت اند از:

فشار بر پاکستان

یکی از بخش های اساسی این راهبرد نسبت به دولت باراک اوباما شامل نمودن اسلام آباد در این راهبرد به عنوان حامی تروریسم در افغانستان بوده است. بهترین دلیل برای این امر نام راهبرد جدید میتواند باشد « راهبرد جدید امریکا در افغانستان و جنوب آسیا» منظور از جنوب آسیا کشور های شبه قاره هند بوده است. برای اولین بار ایالات متحده امریکا از اسلام آباد به عنوان کشور که تبدیل شده به پناهگاه امن تروریست ها یاد می نماید و اعلام می دارد که نسبت به پاکستان همانند گذشته با اغماض و چشم پوشی دوره اوباما برخورد نخواهد شد.

تاکید بر نقش بارزتر هند

گزینه دیگر که در راهبرد دولت ترامپ در افغانستان از اهمیت بلندی برخوردار است مسئله نقش بارز هند نسبت به پاکستان بوده است. نوعی چراغ سبز نشان دادن برای کمک های بیشتر هند در افغانستان بود، البته این قضیه هم از یک طرف میتواند بخش از اعمال فشار جدید بر اسلام آباد باشد و هم از سوی دیگر باز شدن مسیر تازه ای در گسترش همکاری های هند با امریکا در افغانستان است.

نقش بارز ژنرال های فعال در جنگ افغانستان

باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ از افزایش ۳۰۰۰۰ نیرو که شمار نیروهای این کشور در افغانستان به ۱۰۰۰۰۰ می رسد خبر داده است، البته تصریح نموده که آنها ۱۸ ماه بعد به تدریج به خانه های شان بازخواهند گشت. ژنرال های نظامی اعتقاد دارند که اعلام چنین برنامه زمان بندی شده سبب گردید که دشمنان را تشویق نمود که منتظر خروج نیروهای امریکایی باشند تا حملات شان را دوباره از سرگیرند. دولت ترامپ نیروهایش را افزایش داده است و علاوه بر افزایش نیروها از امکانات و تکنالوژی های پیشرفته در این دوره در جنگ افغانستان استفاده گردیده است. در این راهبرد جدید زمان خروج مشخص نگردیده و حتی صحبت از بودن در افغانستان مطرح گردیده است.

استقلال نظامی بیشتر فرماندهان و ماندن نامحدود در افغانستان

دونالد ترامپ برخلاف باراک اوباما محدودیت های بیشتر اعمال شده بر فرماندهان در میدان جنگ را لغو کرده و استقلال نظامی را برای فرماندهان داده و تا بتواند از تجربیات خود بهتر استفاده نماید.

مذاکرات سیاسی با طالبان (صلح با طالبان)

هدف اساسی سیاست های ترامپ در قبال افغانستان این است که طالبان را مجبور به آمدن به پای میز مذاکره نماید تا به این ترتیب راه حلی سیاسی برای جنگ افغانستان پیدا شود (اسماعیلی سنگری، ۳۲۱-۳۲۳).

پیروزی نه مملکت سازی

دیگر نکته کلیدی در سخنان دونالد ترامپ موضوع دولت و ملت سازی در افغانستان بود. او تاکید کرد که ما تروریست ها را می کشیم اما به دنبال مملکت سازی نیستیم. ترامپ گفت: « ما می خواهیم که آنها پیروز شوند اما قصد نداریم که از نیروهای امریکایی برای برقراری دموکراسی در سرزمین های دورافتاده یا برای ساختن دوباره ای آن کشور ها استفاده کنیم.» به گفته ترامپ روزهایی که چنین تفکراتی حاکم بود، به پایان رسیده است (ایرونیوز، ۲۰۱۷: ۲۵ شهریور).

نتیجه گیری

تحولات افغانستان در طول دو دهه گذشته همواره یکی از اساسی ترین دغدغه های منطقه ای و بین المللی نزد قدرت های بزرگ و کوچک منطقه ای و جهانی بوده است. در این میان چگونگی نقش آفرینی بازیگران منطقه ای و جهانی بخصوص قدرت های بزرگ در روند تحولات این کشور از زوایای مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. موضوع راهبرد امریکا در قبال افغانستان پسا طالبان جز جوان ترین موضوع های روابط بین الملل بوده است. در این مقاله به مقایسه و تغییر سیاست خارجی ترامپ پرداخته شده است. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید چالش های فراوان فراروی دولت وی قرار دارد. اتخاذ هر تصمیمی از جانب دولت ترامپ متأثر از شرایط و زمینه ها و عوامل متعدد است و هر شرایط و عواملی نیز تصمیم و سیاست های خاص خود را می طلبد. برداشت تیم سیاست خارجی و نظامی و امنیتی دولت ترامپ، آن است که شرایط بد افغانستان به شرحی بوده که محصول استراتژی و سیاست های بد و ناقص دولت های بوش و باراک اوباما بوده است. برای تغییر و تحول چنین سیاست های ناموفق و تبدیل آن به شرایط بهتر از امروز نیازمند یک سیاست جامع و جدید است. این سیاست های دولت جدید امریکا به رهبری دونالد ترامپ باید به صورت یک مجموعه نگریسته شود و مجموعه ملاحظات سطح فروملی، ملی و منطقه ای و بین المللی را در نظر گرفت. هدف از سیاست های دونالد ترامپ در قبال افغانستان در نهایت و صرف نظر از ابعاد زمانی با هزینه پایین باعث پیروزی امریکا در منازعات افغانستان گردد. تغییر سیاست های ترامپ در قبال افغانستان، سیاست های قبلی ناقص و با شکست مواجه گردیده است.

مهمترین نکات که در این مقاله پرداخته شده است چالش های فراروی دولت ترامپ نسبت به افغانستان، تفاوت سیاست ها و راهبرد های باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال افغانستان و در نهایت تغییر سیاست ترامپ در قبال افغانستان بوده است. از طرف دیگر بین شرایط ذهنی و عینی اتخاذ یک

سیاست همواره تفاوت‌های وجود دارد که در موثر بودن یک سیاست تاثیر دارد. فقط گذشت زمان می‌تواند کامیابی و ناکامی آن سیاست یا راهبرد را ثابت نماید. همین که در سیاست و استراتژی جدید ترامپ در قبال افغانستان زمانی برای پیروزی، خاتمه بحران و خروج نیروها مشخص نگردیده است، پاکستان تحت فشار امریکا قرار دارد و هند متحد امریکا در قبال افغانستان تعریف گردیده است، این مسایل نشان می‌دهد که شرایط این سرزمین بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان در باره آن محاسبه دقیق و روشن به عمل آورد و یا نقشه روشنی را ترسیم کرد. در نهایت گذشت زمان تغییر سیاست خارجی و تحولات آن را نشان می‌دهد.

■ منابع

- الیسن، گراهام (۱۳۶۸)، شیوه های تصمیم گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا، مترجم: منوچهر شجاعی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، صص ۲۶۵-۲۸۸.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۷)، سیاست خارجی قدرت های بزرگ در قرن ۲۱، چاپ دوم، تهران، نشر ابرار معاصر، صص ۲۳-۲۴.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۲۰.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۹۷)، سیاست خارجی افغانستان، چاپ اول، کابل، نشر دانشگاه خاتم النبیین، صص ۴۳-۴۸.
- اسمیت، استیو/ تیم دان، امیلیا هدفیلد (۱۳۹۵)، سیاست خارجی نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، مترجم: دکتر امیر محمد حاجی یوسفی/ دکتر محسن محمودی و دکتر ایوب کریمی، چاپ سوم، تهران، نشر سمت، ص ۹-۴۲-۴۸.
- اسلامی، محسن (۱۳۸۸)، سیاست خارجی اسرائیل، چاپ اول، تهران، نشر امیر کبیر، صص ۴۶-۴۸.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۶)، "به کارگیری زور به عنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا، معضل فراروی ترامپ"، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۹.
- دهقانی، خسرو/ بصیری، محمد علی/ یزدانی، عنایت الله (۱۳۹۸)، "تحلیل تاثیر سیاست های دونالد ترامپ بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۳۹.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، "بررسی سیاست خارجی دولت های انقلاب جدید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا براساس مدل پیوستگی جیمز روزنا"، فصلنامه راهبرد ص ۹۹-۱۰۱.
- سلیمان زاده، سعید/ امیدی، علی/ براتی، سحر (۱۳۹۷)، "راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزواگرایی- واقع گرایی"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۵)، "تبیین عوامل موثر بر اتخاذ استراتژی دولت ترامپ نسبت به افغانستان"، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دور اول، شماره بیست و چهارم.
- عطایی، فرهاد/ منصوری مقدم، جهانشیر (۱۳۸۷)، "سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا در سال های ۱۳۳۲-۱۳۵۷"، فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، صص ۱۴۷-۱۵۱.
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۷)، "سیاست خارجی ترامپ و واقعیت های نظام بین الملل"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸.

کریمی فرد، حسین / افشاری، یونس / رحیمی، علی (۱۳۹۶)، "تبیین سیاست خارجی ترکیه با تاکید بر نظریه جیمز روزنا (۲۰۱۷-۲۰۰۳)"، سیاست پژوهی، شماره هشتم، ص ۷۷.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۵)، "سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۴.

محمدیان، علی / رضایی، علیرضا (۱۳۹۴)، "تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دروه حسن روحانی از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا"، ص ۵.

دهقانی، خسرو / بصیری، محمد علی / یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۸)، "تحلیل تاثیر سیاست های دونالد ترامپ بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۳۹.

بایوردی، اسماعیل / خیبری، کابک / شاه رضایی، محمد حسن (۱۳۹۴)، "بررسی سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم: اهداف و پیامد های پیمان امنیتی کابل - واشنگتن"، نشر پژوهشنامه روابط بین المللی، صص ۱۰۷-۱۱۱.

Afghanistan, India, and Donald Trump. (2016),” Available at:

<http://www.iasparliament.com>

Cordesman, A. (2017). The Trump Transition and the Afghan War: The Need for decisive Action. CSIS, January 5.

Department of Defense, (2016), “Enhancing Security and Stability in Afghanistan” Available at: <https://www.defense.gov>.

Harrison, L. (2014),” Chaos and Uncertainty: The FY 2014, Defense Budget and Beyond”, Center for Strategic and Budgetary Assessments, October.

IMF Country Report. (2016),” The Islamic Republic of Afghanistan: Request for a Three-Year Arrangement under the Extended Credit Facility – press Release”, Available at: <http://www.imf.org/external/pubs/cat/longres>.

Smith, S and C. Cookman, (2016),” State Strengthening in Afghanistan: Lessons Learned, 2001-2004, Washington, D.C. U.S. Institute of Peace, May.

The Asia Foundation. (2016),” Afghanistan in 2016”, Available at:

<http://asiafoundation.org>.

The White House. (2016),” Statement by the President on Afghanistan”.

UNDOC. (2016),” Afghan Government, Afghanistan opium Survey 2016”, available at: <http://www.unodc.org>

World Bank (2016b), “Fragility and Population Movement in Afghanistan” Available at:<http://documents.worldbank.org>.

World Bank (2016c), “Afghanistan Country Snapshot”, Available at:

<http://document.worldbank.org>.

World Drug Report. (2016),”US News Centre”, Available at:

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=55378#.WGoZDcs8Kf0>.

بی بی سی فارسی (۱۳۹۷)، " وزیر دفاع امریکا: مصالحه با طالبان به معنای خروج ما از افغانستان نیست"، ۱۳۹۹: ۲۳ تیر.

www.bbc.com/persian/afghanistan.

آریانا نیوز (۱۳۹۶) "رییس اجرایی افغانستان با مایک پنس دیدار کرد"، ۱۳۹۹: ۲۳ تیر.

www.ariananews.af

بی بی سی فارسی (۱۳۹۸) "واشنگتن پست: جان بولتون در روند مذاکرات با طالبان به حاشیه رانده شده است"، ۱۳۹۹: ۲۳ تیر.

[www. Bbc.com/Persian/Afghanistan](http://www.Bbc.com/Persian/Afghanistan)

طلوع نیوز (۱۳۹۹) "پرده برداری جان بولتون از سیاست های ترامپ در باره افغانستان"، ۱۳۹۹: دوم تیر.

www.tolonews.com/af/afghanistan.

خبرگزاری جمهور (۱۳۹۸) "احتمال کاهش نیروهای امریکایی از افغانستان، بدون توافق صلح وجود دارد"، ۱۳۹۹: ۲۳ تیر.

www.jomhornews.com/fa

بی بی سی فارسی (۱۳۹۸) "رابرت اوبرایان؛ چهارمین مشاور امنیت ملی ترامپ کیست؟"، ۱۳۹۹: ۲۳ تیر.

www.bbc.com/persian.